

مادرِ جانان من

ای مادرِ جانانِ من، دورم چرا بنموده ای؟
وی مأمن آبایِ من، دورم چرا بنموده ای؟
غربت سرا شد منزلم، روزشِم داغت دلم
بی توندارم زندگی، دورم چرا بنموده ای؟
آنوقت که دامانت بُدم، بود عرش دنیا جایِ من
افسوس که رفت از دستِ من، دورم چرا بنموده ای؟
بودی به دردها یم دوا، ای مادرم بهر خدا
کن یک نظر برسویِ من، دورم چرا بنموده ای؟
از خالقِ دارم امید، تا بینمت بار دگر
آزاد و خرم سرفراز، دورم چرا بنموده ای؟
شب های پغمانت همیش، یادم بود با قلبِ ریش
بُد لوگرم مأوایِ من، دورم چرا بنموده ای؟
فصل گل سرخ مزار، آغاز سال و نوبهار
مردم زهر کنج و کنار، دورم چرا بنموده ای؟
از جنده بالا کردنش، در زیارتِ مولاعلی (ع)
یابد شفا هم میهنان، دورم چرا بنموده ای؟
در بامیان بند امیر، گردش گران خیلی کثیر
بادرد و غم در فکرتُو، دورم چرا بنموده ای؟
حالا که من آواره ام، از رنج ها بیچاره ام
در ملک غیر افسرده ام، دورم چرا بنموده ای؟

کن "حیدری" را شادمان، ای ما م بی همتای من
با جان سپردن دامنت، دورم چرا بنموده ای؟

پو هنوال داکتر اسدالله حیدری
۲۰۲۲، ۴، ۱، سدنی